

آرشیو میراث

خاطرات من

عبدالله ناهید (افتخار)

به اهتمام احمد قاضی

ویرایش و تعلیقات شهباز محسنی



تاریخ معاصر ایران

مجموعه تاریخ معاصر ایران- ۸۶

انتشارات شیرازه کتاب ما



سرشناسه	: ناهید، عبدالله، ۱۲۷۰ - ۱۳۲۴.
عنوان و نام پدیدآور	: خاطرات من/عبدالله ناهید (افتخار)؛ به اهتمام احمد قاضی؛ ویرایش و تعلیقات شهباز محسنی.
وضعیت ویراست	: [ویراست ۲].
مشخصات نشر	: تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۰ص: عکس.
فروست	: مجموعه تاریخ معاصر ایران؛ ۸۶.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۸۹-۶۵-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: چاپ قبلی: نفیسی فر، ۱۳۶۲.
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: ناهید، عبدالله، ۱۲۷۰ - ۱۳۲۴ -- سرگذشتنامه
موضوع	: کردستان -- تاریخ
موضوع	: Kurdistan (Iran: Province) -- History
شناسه افزوده	: قاضی، احمد، ۱۳۱۵-۱۳۹۴، گردآورنده
شناسه افزوده	: محسنی، شهباز، ۱۳۴۸ - ویراستار
رده بندی کنگره	: DSR۲۰۴۷
رده بندی دیویی	: ۹۸۴/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۵۲۳۰۴



خاطرات من (ناهید)

ویرایش و تعلیقات: شهباز محسنی

انتشارات: شیرازه کتاب ما

چاپ و صحافی: پردیس دانش

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

چاپ اول: مهر ۱۴۰۰

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۰۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.com

خاطرات من

عبدالله ناهید (افتخار)

به اهتمام

احمد قاضی

ویرایش و تعلیقات

شہباز محسنی

فهرست مطالب

۷	یادداشت دبیر مجموعه.....
۹	مقدمه ویراستار.....
۱۷	مقدمه روانشاد احمد قاضی.....
۲۱	تاریخچه زندگی من.....
۳۱	قسمت دوم.....
۱۲۵	منابع مورد استفاده ویراستار.....
۱۲۷	پیوست.....
۱۳۰	فهرست اعلام.....

یادداشت دبیر مجموعه

یکی از ویژگی‌های *خاطرات من* شادروان عبدالله ناهید (افتخار) که برای بار نخست در ۱۳۶۲ به همت شادروان احمد قاضی منتشر شد و اینک به کوشش جناب آقای شهباز محسنی در این مجموعه تجدید چاپ می‌شود، روایت یک دوره پُرفراز و نشیب از تاریخ گوشه‌ای از سرزمین ایران، از منظر «زندگی» است. صحبت از سرگذشت سقز در سال‌های جنگ جهانی اول است که این خطه نیز مانند بسیاری از دیگر نقاط مرزی و حتی داخلی کشور دستخوش رفت و آمدهای خانمان‌برانداز لشکریان بیگانه شد و بر همین اساس همسویی از سیر اجبار یا اختیار پاره‌ای از سران متنفذ و صاحب عشیره محلی در طرفداری یا در مخالفت با نیروهای مزبور.

روایت عبدالله‌خان ناهید در مقام یکی از بیگ‌زاده‌های سقز از این رخدادها، در کنار ثبت و ضبط مجموعه‌ای از دقایق و جزئیات، روایت بزرگ‌زاده عارف‌مسلکی از حوادث گذرای روزگار نیز هست و در کنار این گزارش یک سعی و تلاش مستمر برای کاستن از تمامی مصائب و دشواری‌هایی که در خلال حوادثی از این دست دامنگیر مردم تیره‌بخت می‌شود.

عبدالله خان ناهید در یک دوره نسبتاً طولانی - از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۲، از دوره یازدهم تا سیزدهم قانون گذاری، نماینده سقز و بانه در مجلس شورای ملی بوده است اما در نوشته های برجای مانده در مورد فعالیت های احتمالی وی در این دوره مطلبی دیده نمی شود و جا دارد در بررسی های بعدی، پرس و جویی نیز در این زمینه صورت گیرد.

کاوه بیات

مقدمه ویراستار

لازم می‌دانم که علت ویرایش و انتشار مجدد کتاب حاضر را ذکر کنم. سال‌ها پیش این کتاب را خوانده بودم؛ هرازگاهی با دوستان مطلع که بحث از شخصیت‌های نامدار کردستان در برهه‌های گوناگون تاریخی و نیز بازیگران صحنه‌های سیاسی و اجتماعی گذشته به میان می‌آمد از عبدالله ناهید نیز سخن می‌رفت و به خاطرات و اقوالش، استناد می‌کردیم. فرصتی پیش آمد و کتاب را دوباره در دست مطالعه گرفتم؛ دیدم که به چند علت، کتاب نیاز به بازخوانی، ویرایش جدید و افزودن پاره‌ای توضیحات و تعلیقات دارد. یکی به لحاظ نگارشی و ادبی، اشکالات رسم‌الخطی و اغلاط املایی و نگارشی متعددی که در چاپ نخست در کتاب، راه یافته بود؛ مهم‌تر از آن به لحاظ محتوایی نیز، ابهاماتی دربارهٔ بعضی وقایع و اشخاص که در آن ذکرشان رفته بود وجود داشت که برای خوانندهٔ امروزی که بیش از صدسال از وقایع و اشخاص مورد اشاره نویسنده، فاصله دارد ناآشناست؛ لذا پس از تأمل و مشورت با بعضی دوستان، دست به کار شدم. ضمن بزرگداشت کوشش‌های استاد عزیز، روانشاد

احمد قاضی، با حفظ متن و عبارات نویسنده و حواشی و مقدمه ایشان بر کتاب، ویرایش جدیدی را از متن به انجام رساندم. توضیحات استاد قاضی را جهت حفظ امانت و پابندی، با ذکر نامشان، در پاورقی‌ها به‌طور کامل، آورده‌ام و هرجا توضیحاتی از بنده بوده بدون اسم در پانویست آورده شده‌است؛ اما بنا به «الْفَضْلُ لِلْمُتَقَدِّمِ» زحمت اصلی را روانشاد احمد قاضی کشیده‌اند.

روانشاد عبدالله ناهید (زاده ۱۲۷۰ شمسی، سلیمان‌کنندی سقز، درگذشته ۱۳۲۴ شمسی، سلیمان‌کنندی)، علاوه بر تبخّر در نویسندگی، در هنر نقاشی هم سرآمد بود و تابلوهای زیبایی، حاوی تصاویری از طبیعت زیبای کردستان و اطراف سقز خلق کرده است. در همه آثار وی که اسمی از وی برده شده به توانایی و چیره‌دستی‌اش در هنر نقاشی و ذوق موسیقیدانی و نیز کارگزاری و سیاست‌ورزی وی اشاره شده است. او استعداد خارق‌العاده‌ای در نوشتن رمان و داستان نیز داشت و در این‌گونه آثارش، ذهن خلاق و تصویرگری داشته است. انتشار دو کتاب چگونه به مریخ رفتم؟ که در سال ۱۳۲۰ در چاپخانه خاور در تهران منتشر شده و نیز رمانی تاریخی به نام پهلوانان گمنام که در ۱۳۱۹ خورشیدی در همان چاپخانه به دست نشر سپرده شده از دیگر فعالیت‌های اوست. در رمان اخیر نویسنده خواننده را به سال ۶۳۸ یعنی قرن هفتم هجری می‌برد. موضوع کتاب، رمانی است تاریخی با نثری روان و ادبی درباره تهاجم خانمان‌برانداز لشکریان مغول به ایران در قرن هفتم هجری. ناهید در رمانش به تأثیرات ویرانگر هجوم مغول‌ها در زندگی مردم در خراسان و ری و آذربایجان و کردستان پرداخته و نگرانی‌های عمیق روحی و روانی مردم را در قالب گفتگوهای میان شخصیت‌های رمانش که در آذربایجان و کردستان زندگی می‌کنند نشان می‌دهد. پهلوانان گمنام تلاش، همدلی و همراهی شبانه‌روز مردان و زنان

شجاعی است برای تشکیل نیروهای مقاومت در غرب ایران سد کردن راه تهاجم مغول‌ها و گرفتن انتقام هم‌میهنان از بیگانگان متجاوز. مکان‌هایی که در رمان ذکر شده‌اند از جمله عبارتند از مراغه، سردشت، دریاس (در اطراف مهاباد که اکنون شهر ویران گفته می‌شود)، سقز، رواندز، میافارقین، حلب و... از جمله مطالب رمان، به تصویر کشاندن قتل‌عام فجیع مردم و چیره شدن اخلاق فاسد مغول‌ها و تغییر نام‌های اماکن به اسامی ترکی مغولی است. به قول نویسنده تلاش این پهلوانان گمنام، برای منزّه ساختن ساحت مقدس میهن است از وجود منحوس بیگانگان و بازیابی شرافت ازدست‌رفته.

اما کتاب چگونه به مریخ رفتیم؟ ناهید ما را به یاد کتاب سفر به ماه از ژول‌ورن، نویسنده مشهور داستان‌های تخیلی قرن نوزده فرانسه می‌اندازد که این کتاب ژول‌ورن در سال ۱۳۳۷ خورشیدی، به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شده و شهرت یافته است یعنی هجده سال پس از انتشار چگونه به مریخ رفتیم؟ از این‌رو شاید بیراه نباشد که عبدالله ناهید را پیشرو این نوع داستان‌های تخیلی بدانیم. شاید هم عبدالله ناهید از طریق زبان فرانسه از سفر به ماه ژول‌ورن مطلع بوده و از سبک وی متأثر بوده باشد که در این صورت هم، وی بی‌گمان در ایران، آوانگارد و پیش‌تاز محسوب می‌شود.

داستان، گزارشی است از رفتن نویسنده با یکی از رفقاییش به شکار در دل طبیعت زیبای اطراف سقز در سال ۱۳۰۲. وی وصف زیبا و دلچسبی از جغرافیا و طبیعت منطقه سقز از جمله کوه پهلوان (پاله‌وان) و رودخانه سقز می‌دهد. تا اینکه با مهمانان عجیب و غریبی روبه‌رو می‌شوند که با سفینه‌شان از آسمان نزول می‌کنند! بعد معلوم می‌شود که آنان مریخی هستند و از کره مریخ آمده‌اند. از آنجا که زبان همدیگر را بلد نیستند با زبان بین‌المللی اشاره، باهم ارتباط

می‌گیرند و به گفتگو می‌پردازند. برای پذیرایی از این مهمان‌های عجیب و غریب، یکب شکارشده کباب می‌کنند، بعد معلوم می‌شود آنان گوشتخوار نیستند و حتی از کشتن پرندگان ابراز ناراحتی و نارضایتی می‌کنند.

مریخی‌ها برای انجام تحقیقاتی به آن نقطه از زمین آمده بودند و وقت بازگشت، نویسنده و رفیق شکارچی‌اش، تصمیم می‌گیرند برای ارضای حس کنجکاوی خود و آشنایی با دیگر عوالم و کرات آسمانی همراه مریخی‌ها به کرهٔ مریخ سفر کنند.

در طول سفر، گفتگوهای میان آن دو با مریخی‌ها رخ می‌دهد و نویسنده از تفاوت دیدگاه‌های زمینیان با مریخی‌ها سخن می‌گوید. خواننده در طول خواندن رمان با اطلاعات زیاد نویسنده دربارهٔ پدیده‌های جوی و آسمانی چون لکه‌های خورشیدی و ستاره‌ها و فضای بی‌انتهای وسیع، اختلاف طلوع آفتاب در فضای وسیع و بی‌انتهای، اختلاف طلوع خورشید در فضا با طلوع آن در زمین، ستاره‌های دنباله‌دار و شکل و شمایل زمین از دور و توصیف مریخ و ورودشان به دنیای تازه و... روبه‌رو می‌شود. همچنین وصف قیافه و شکل مریخی‌ها جالب است یا توضیح نویسنده دربارهٔ زبان گردی و فارسی برای کاپیتان سفینهٔ مریخی‌ها، که البته نویسنده به جای سفینه از واژهٔ هواپیما بهره برده است. همچنین مسافران در طول سفر به تلاش برای یادگیری زبان مردان مریخی می‌پردازند. جالب اینکه مریخی‌ها را بیش از زمینیان پیشرفته و مبادی آداب معرفی می‌کند.

این کتاب، جلد دومی هم دارد که در جلد دوم علاوه بر گزارش اوضاع در مریخ به شکل تخیلی، حاوی مطالب و دیدگاه‌های اجتماعی و فلسفی و اخلاقی و نیز پیش‌بینی‌های علمی است.

توصیفات ادبی و دلچسب نویسنده در کتاب، حاکی از ذوق سرشار

اوست.

در پایان کتاب چگونه به مریخ سفر کردم؟ نویسنده چنین نوشته است:
قریه سلیمان کندی دی ماه ۱۳۰۴ عبدالله کرد.

وی ذوق شعری نیز داشته و گرایش به تصوف نقشبندیه داشت و از منسوبان شیخ یوسف برهان بود؛ وی به تأسی از بعضی بزرگان فیض‌الله‌بیگی، مُرید و منسوب طریقت نقشبندیه بود؛ از جمله عمویش، مرحوم آقا مؤمن‌بیگ یکشوه از سالکان جدی بود که دست ارادت به شیخ یوسف برهان، از عارفان برجسته ناحیه مکریان، داده بود. گفتنی است شیخ یوسف برهان از مرشدان تحت تعلیمات روحی شیخ عثمان سراج‌الدین اول در اورامان بود که برای تعلیم طالبان سلوک، به ناحیه مکریان برگشته بود. خاتقاه شرفکند که بعدها مأوای وی شد یکی از پُرنشاط‌ترین محیط‌های فرهنگی، ادبی و دینی در کردستان گردید و محل توجه و مراجعه و رشد شخصیت‌های علمی و ادبی برجسته‌ای شد و بر ادبیات و فرهنگ و جامعه کُردی بسیار اثرگذار گردید؛ و ادبا و سخنورانی چون صالح حریق، سیدرشید، مصباح‌الدیوان ادب، علی‌بگ حیدری، هیمن و هزار خروجی این مکتب‌اند.

چهار بیت شعر، توسط عبدالله ناهید در وصف مُرادش، شیخ یوسف برهان سروده شده است که گویای ذوق اوست. این ابیات را وی خود، در ضمن سلسله منظوم فارسی مولانا خالد شهرزوری، در سال ۱۳۲۴ شمسی در تهران، به چاپ رسانده؛

به آن صبح دم شب‌زننده‌داران	به آن درمان درد دردمندان
به آن شاهنشاه ملک معانی	به آن دانای اسرار نهانی
به آن دریای مواج حقیقت	به آن سردار افواج طریقت
به آن صبح امید مستمندان	رییس عشقبازان، پیر برهان

گفتنی است سلسله منظوم مورد اشاره که اثر خامه و ذوق مولانا خالد شهرزوری است چنین آغاز می‌شود:

خداوندا به حق اسم اعظم به نور سید اولاد آدم
به سوز سینه صدیق اکبر به سلمان و به قاسم بار دیگر
به شاه صفدر کرار حیدر که از نیروش باشد باب خیر...

تا اینکه پس از ذکر سلسله بزرگان نقشبندیه در آخر با دعا شعرش را به پایان می‌رساند:

غریب و بی‌کسم بر من بیخشای که کس مشکل گشا نبود، تو بگشای
دری بگشای از خشنودی خویش بر این سرگشته مهجور دل‌ریش
به هر کس کز کرم کردی نگاهی دو عالم را نمی‌سنجد به کاهی^۱

خلاصه آنکه عبدالله ناهید، شاعر، نویسنده، هنرمند، سیاست‌ورز و وقایع‌نگاری است خَلّاق، که تحولات زمانش را دیده و لمس کرده و توانسته به تحلیل و روایت قضایا و اتفاقات بنشیند و با قلمش حوادث دور و نزدیک را به هم پیوند دهد. وی بیشتر عمرش را در روزگار دشوار و پرمحتی گذراند؛ و ضمن خاطرات زندگیش، تحولاتی چون انقلاب مشروطه ایران، برافروخته شدن شعله‌های جنگ اول جهانی و تبعات آن چون حضور شوم نیروهای متخاصم و بیگانه روس و عثمانی در ایران و کردستان و رقابت و جنگ این دو و آوارگی و قحطی و گرسنگی و کشتار مردم بی‌دفاع و ناامنی منطقه به واسطه زد و خوردهای عشایر، را گزارش می‌دهد؛ همچنین نگاهی تیزبینانه و منتقدانه نسبت به سیستم آموزش در آن هنگام، و بی‌مسئولیتی مقامات و رفتار خودکامانه حاکمان وقت، وضع روستاها و شهرها و راه‌ها و معیشت مردم و... دارد که ارزش مطالعه و بررسی جداگانه دارند.

آرامگاه این نویسنده و هنرمند و ادیب، در خانقاه برهان و در جوار مرقد شیخ یوسف برهان- قُدّس سِرّه- که پیر و مراد بزرگان طایفه فیض‌الله‌بیگی بود واقع است.

خاطرات اشخاصی که از نزدیک درگیر مسایل و در گود وقایع و رخدادها و شاهد حوادث بوده‌اند از آن‌رو اهمیت دارد که در تاریخ‌های رسمی، بیان جزئیات شنیده‌ها و دیده‌های وقایع‌نگاران محلی معمولاً نمی‌آید؛ از آنجا که این افراد خود شاهد حوادث بوده‌اند چنین وقایع‌نگاری‌ها، به‌مثابه گزارش میدانی می‌توانند به‌شمار آیند و مکمل تاریخ‌های رسمی و تحقیقات کتابخانه‌ای است- که از دور انجام می‌گردد- لذا حائز اهمیت است.

آنچه انجام شده است تلاش کوچک و خاضعانه‌ای است در شناساندن شخصیتی از خیل علما و هنرمندان کردستان که هنوز همه ابعاد شخصیت علمی و هنری وی، معرفی نشده است؛ امیدوارم گام برداشته‌شده در این مسیر، کمکی باشد به روشن شدن گوشه‌ای از زوایای تلاش‌های وی و زمانه‌اش؛ تا اهل مطالعه و تحقیق را به‌کار آید.

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ أَوَّلًا وَ آخِرًا

مهاباد. بهار ۱۴۰۰

شهباز محسنی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد